

ایستادن تلاش برای اصلاح حکمرانی هم هست تا کسی گرسنه نماند.

■ **دیروز آقای احسان شریعتی مقاله‌ای در روزنامه «اعتماد» نوشت و در آن بار دیگر ایده قدیمی «وظیفه روشنفکری» را مطرح کرد. ایشان در این مقاله، میان روشنفکر و فیلسوف تمایز قائل شد و سپس تشریح کرد که وظیفه روشنفکر نقد قدرت است...**

نقد قدرت به چه معنی است؟ در دوره‌ای روشنفکری چون علی شریعتی به قدرت حمله می‌کند و در نقد قدرت، شخصیت تاریخی همچون امام حسین (ع) که استثنای تاریخ شیعه است را به عنوان قاعده تاریخ قرار می‌دهد، اما امام حسین (ع) حاکم نیست و حکومت را در اختیار ندارد. بنابراین، زمانی نقد قدرت را در چارچوب پارادایم فکری علی شریعتی می‌بینید، با ساختن یک اسطوره تاریخی می‌خواهید قدرت را نقد کنید و کل حاکمیت را براندازید. اما وقتی هم نقد قدرت به این معنی است که شما همه ناکارآمدی‌های حاکمیت که باعث رنج و بدبختی مردم شده است را آشکار می‌کنید که همان پالیسی است. به این معنی که نشان می‌دهید نظام بهداشت و درمان غیرمنصفانه ما، که مصائب زیادی برای ملت به دنبال داشته، چطور کار می‌کند که در عین ناکارآمدی و سختی مردم، پول عظیمی را به جیب شرکت‌های دارویی و پزشکان خاصی می‌فرستد. یا در حالتی دیگر، نقد قدرت می‌تواند بواسطه آشکار کردن سوراخ‌های پنهانی باشد که در جداول بودجه وجود دارد. آیا تحلیل جدول ۱۷ بودجه نقد قدرت نیست؟ یا اساساً تحلیل بودجه نقد قدرت هست یا خیر؟ در مدلی که علی‌احسان شریعتی ارائه می‌کنند، تحلیل بودجه و جداول آن به عنوان یک کار تکنیکال محسوب شده و به این ترتیب، بروکرات و تکنوکراتی که لایحه بودجه را نقد می‌کند، کماکان در خدمت دولت و قدرت است. بنابراین می‌توان گفت آنان کماکان با رویکرد چپ به دولت نگاه می‌کنند، در حالی که همه کسانی که در دولت هستند، لزوماً حافظ وضع موجود نیستند. من در دولت بودم و ده‌ها آدم هم‌نسل خود را در سازمان برنامه و دیگر وزارتخانه‌ها می‌شناسم که جامعه‌شناسی و اقتصاد و سیاست خوانده‌اند و همه تلاش آنان معطوف به این است که بودجه را شفاف کنند، انتشار و شفاف شدن اندکی از بودجه محصول تلاش این هاست و وعده دیگری هم به دنبال تحقق ساز و کار شفافیت هستند. این هانقد قدرت هست یا نیست؟ اگر ما همه بی‌عدالتی‌ها و بی‌انصافی‌های نظام بهداشت و درمان کشور را آشکار کنیم، جزو نقد قدرت محسوب می‌شود یا خیر؟ یا اگر درباره نحوه توزیع منابع آب یا نحوه بهره‌مندی از منابع بانکی و مصائب آنها کار کنیم، نقد قدرت نیست؟

■ **چرا جامعه همچنان دنبال روشنفکرانی است که نگاه ایدئولوژیک به قدرت دارند و صرف ایده کلی نقد دولت، آنان را راضی می‌کند؟**

به این دلیل که ساده‌سازی مفاهیم پیچیده در یک ایده و راهکار کلی، بسیار زیاد و در عین حال قابل فهم است. اما در مقابل این ساده‌سازی، نوعی روشنفکری، یک نوعی ایده‌پرداز و سیاست‌پرداز می‌هم هست که حجم کار، مطالعه، تلاش و فکر زیادی را می‌طلبد. قبلاً گفته بودم که این رویکردها مبتنی بر شعارهای «پاپ‌کورنی» هستند. در این معنی ما یک نوع روشنفکری پاپ‌کورنی هم داریم که می‌تواند در حوزه نظری، همه قدرت را یکدست کند و همه قدرت را با هم بکوبد و به هیچ وجه نمی‌خواهد پانمی‌تواند وجه سازنده قدرت را ببیند. زیرا قادر به تجزیه قدرت هم نیست و نمی‌تواند بفهمد که قدرت در مکانیزم‌های مختلفی عمل می‌کند؛ در مجلس، در بودجه، در آیین‌نامه، در متن یک لایحه، در تخصیص اعتبارات، با گلوله و زیر شکنجه و در همه این موارد و بیشتر از این‌ها، قدرت به گونه خاصی عمل می‌کند. وقتی می‌خواهیم به این بخش‌ها نگاه و درباره آنها فکر کنیم، می‌بینیم که بسیار پیچیده است، اما به جای تمرکز بر این پیچیدگی‌ها، تهییج کردن و جماعتی را برانگیختن کار ساده‌ای است. البته منکر این نیستیم که آن جریان روشنفکری مقتضیات تاریخی خاص خود و کارکرد خاص خود را داشته است، اما آن مدل روشنفکری برای برانداختن مناسب است، اما نمی‌توان با آن چیزی را ساخت. آن مدل روشنفکری برای انقلاب بسیار مؤثر است و برای برانداختن یک حکومت بسیار خوب است، کما اینکه علی شریعتی سهم مهمی در برانداختن حکومت پهلوی دارد، بعد از انقلاب هم از او به عنوان معلم شهید یاد می‌شود و در تهران هم یک خیابان به نام او است. آن مدل روشنفکری، برای قضاوت همه تاریخ، یک نسخه خوب و سراسری به نام «حسین وارث آدم» ارائه می‌دهد، اما آیا امروز می‌توان این ایده‌ها و این نوع روشنفکری، بودجه را اصلاح کرد؟ ساختن یک کشور، نیازمند داشتن دانش فنی است و این دانش فنی، تفاوت اصلی ما با غرب است. غرب درباره هر کدام از این پدیده‌ها، از بودجه تا نظام بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و حتی آب، پیچیده عمل کرده است. در سیاستگذاری درون حاکمیت، بحث بر سر کلمات، جزئیات و کشف کردن است. نحله‌ای مانند «مکتب

بولومینگتون» در مطالعات نهادی وجود دارد که چهره‌های دانشگاهی بسیاری، عمری قریب به ۶۰ سال را صرف این کردند تا تحلیل کنند «قواعد نهادی چه دستور زبانی دارند» و اینکه این دستور زبان قواعد، چگونه عمل می‌کند. مثلاً در مجلس درباره قنات و خانواده و اقتصاد قانونگذاری می‌کنند، این قانون چه ویژگی‌هایی دارد؟ یا تفاوت استراتژی، با رویکرد با قاعده چیست؟ این چهره‌های دانشگاهی با یک عمر فعالیت علمی، این گرامر را استخراج کردند و سپس بر اساس تحلیل گرامر قانونگذاری، گرامر استراتژی درباره کارآمدی و ناکارآمدی نهادها بحث کنند. بنابراین، اگر شما می‌خواهید کشوری را بسازید، به دانشی با همین پیچیدگی نیاز دارید. صورت‌هایی از روشنفکری مورد اشاره شما، برای نقد قدرت و برای تهییج سیاسی بسیار مناسب است، اما ما با کدام روشنفکری می‌خواهیم مسأله‌ای به نام آب زیرزمینی را ساماندهی کنیم؟ عرصه‌های این دو متفاوت است. روشنفکری دینی هم درباره رابطه دین و دولت بحث کرده است، اما آیا با روشنفکری دینی می‌توان بودجه را اصلاح کرد؟ حکمرانی شامل عرصه‌های تکنیکال و بوروکراتیکی است که در تعامل ایده‌هایی دانشگاه و علم با عرصه اجرا، پیش می‌رود. برخی قرائت‌ها از روشنفکری به کار ساختن حکمرانی نمی‌آیند.

■ **شما به نظر سنجی‌ها دسترسی دارید. فکر می‌کنید جامعه این قدر صبور باشد و زمان بدهد تا شما و چهره‌هایی چون شما برای اصلاح حکمرانی در کشور گام بردارند؟**

کاملاً به حاکمیت سیاسی بستگی دارد. اگر حاکمیت به عقلانیت بیشتری تن بدهد و فضا را فراهم کند تا کشور عقلانی‌تر اداره شود، این فرصت خلق خواهد شد. بیشتر گفته‌ام که ما چیزی به نام «تولید زمان» داریم. هر چند امروز حوصله اکثریت مردم سر رفته و حاضر نیستند به هیچ کس زمان بدهند، اما اگر بر فرض وارد بازی دیگری شویم تا کشور عقلانی‌تر اداره شود و مردم پیام‌های مثبتی دریافت کنند، ممکن است به جای ۱۰ واحد، ۱۵۰ واحد به شما زمان بدهند. بنابراین شما «زمان اجتماعی» خواهید داشت و این زمان تولید شدنی است. کما اینکه وقتی آقای خاتمی به قدرت رسید، زمان کش آمد. بنابراین اگر به مردم این حس و باور را منتقل کردیم که حاکمیت و مردم در کنار هم هستند و با هم در یک وضعیت مشابه هستند، می‌توان زمان خرید و کارهایی را انجام داد.

■ **«دنگ شیائوپنگ» گفته است «فرقی نمی‌کند گربه سیاه باشد یا سفید، بلکه باید بتواند موش بگیرد.» فرض کنیم گربه بگوید مسأله من موش گرفتن نیست، ایدئولوژیک بودن است. در این صورت چه خواهد شد؟**

در این صورت سعی می‌کنند این گربه را از خانه بیرون کنند که به دنبال آن، گربه هم خشن خواهد شد. بنابراین، بسته به اینکه صاحب‌خانه یا گربه، زورشان به هم بچربد، وضعیت متغیر خواهد بود. اما در هر صورت، گربه‌ای که موش نکشد، آرام آرام از خانه بیرون می‌شود. مردم در همه تاریخ به گربه‌ای که موش نکشد نیاز نداشته‌اند.

■ **پس از تصمیم به اجرای طرح اصلاح قیمت بنزین، مطلبی در کانال «تلگرام» منتشر کردید. دریافت من این بود که شما هم غافلگیر شدید. اصلاً از چه چیزی غافلگیر شدید، از تصمیم ناگهانی دولت یا از پیامدهای اجتماعی آن؟**

من هنوز هم طرفدار اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در ایران هستم و هنوز هم معتقدم می‌شود این سناریو را به گونه‌ای در ایران پیاده کرد که هزینه بسیار کمتری داشته باشد. شما نمی‌توانید در دنیای جدید بدون اطلاع مردم، بدون حرف زدن و اذاعتی‌ها، بدون بده و بستان، بدون اقناع سیاستگذاری کنید. این‌ها انجام نشد و نتیجه همین است که می‌بینید. فکر می‌کنم تا چند سال، مسأله اصلاح قیمت‌های انرژی و هر نوع اصلاحات اقتصادی مهمی، به محاق رفت مگر اینکه اتفاقات جدیدی بیفتد. آنچه من و چهره‌هایی مانند من از طرح اصلاح قیمت بنزین در